

وقتی که «پاپ» مسلمان شد

هفتم صفر روز وفات و بزرگداشت سلمان فارسی است. یکی از بزرگترین صحابه پیامبر که تشیع ایرانیان به گواه تاریخ مدیون اوست.



هفتم صفر روز وفات و بزرگداشت سلمان فارسی است. یکی از بزرگترین صحابه پیامبر که تشیع ایرانیان به گواه تاریخ مدیون اوست. به همین بهانه احسان ناظم بکایی روزنامه نگار و فعال در پژوهش تاریخ تطبیقی، چند نکته مهم و کوتاه درباره این شخصیت مهم تاریخ ایران و اسلام به ایسنا پلاس گفت.

ایسناپلاس؛ یادداشت شفاهی- احسان ناظم بکایی: سلمان فارسی یا «روزبه» پسر «بودخشان»، در واقع نماد «حقیقت طلبی» و «حقیقت جویی» است. اتفاقاً همین حقیقت جویی باعث می شود آن ساحل آرامش ظاهری که در اصفهان و جی در کنار پدر و در فضای زرتشتی گری ساسانی بوده را رها کند و به جاهای مختلفی دنبال حقیقت برود و با رسیدن به یک دین، مسلک، مذهب و شهر خاص الزاماً از پا نمی نشسته و کار خود را ادامه می داده تا به حقیقت و جریان واقعی برسد.

۸ هزار کیلومتر دنبال حقیقت

سیر و گردش زمینی سلمان فارسی در نوع خودش بسیار جالب است. یعنی شهر به شهر چرخیدن او برای رسیدن به حقیقت واقعی. این انسان بزرگ چیزی حدود ۸ هزار کیلومتر مسیر شهرهای مختلف را از ایران تا شامات، آناتولی و حجاز طی می کند تا نهایتاً به پیامبر (ص) برسد. سلمان فارسی از جی (اصفهان) به دمشق می رود، از دمشق راهی شهرهای شمالی مناطق بیزانسی مانند عموریه، نصیبین و موصل می شود و بعد هم در بیت المقدس و وادی القری به عنوان اسیر به مدینه فرستاده می شود. با آمدن به مدینه مسلمان می شود. سپس به مکه می رود و بعد از آن راهی مدائن می شود. بنابراین از نظر گردش فیزیکی هم سلمان یک ویژگی خیلی خاص دارد.

از زرتشت تا پیامبر

نکته سوم سفر آسمانی سلمان فارسی است. سلمان علاوه بر اینکه بعد فیزیکی و جسمانی دارد که شهر به شهر می چرخد، در حالت عرفانی و ملکوتی و دینی هم مدام در حال تغییر دین، مذهب و مسلک است. از زرتشتی گری به مسیحیت می رسد. او انواع مسیحیت کلیسایی و دیرانی را بررسی می کند، لباسشان را می پوشد، به عمقشان می رود و نقاط ضعف و قوتشان را کشف می کند. سپس با یهودیت، مانوی و مزدکی آشنا می شود و بعد از آن بت پرستی صدر اسلام را می بیند و در نهایت هم در ساحل آرامش اسلام آرام می گیرد.

پاپی که مسلمان شد!

نکته چهارم که باید آن را در اسم سلمان هم دید، سرسپردگی کامل سلمان فارسی به اسلام، پیامبر (ص) و امام علی (ع) است. در واقع سلمان فارسی در هیچ کجا از مسیری که مسلمان می شود تا لحظه درگذشتش، هیچ وقت چرایی را در برابر پیامبر (ص) و امام علی (ع) مطرح نمی کند. با توجه به آن جایگاه بزرگی که سلمان زمان حضور در بیزانس داشته و حتی به درجه پاپ هم رسیده بود، وقتی در محضر پیامبر (ص) و امام علی (ع) قرار می گیرد، واقعاً رابطه مراد و مریدی شکل می گیرد. یک سرسپردگی، پیروی و ولایت پذیری کامل که جایگاه او را به قدری رفیع می کند که وقتی پیامبر، سلمان را می بیند به زبان فارسی به او خوش آمد می گوید. همچنین حضرت علی (ع) هم وقتی سلمان را می بیند طبق چیزی که در کتاب «طبقات الکبری» نوشته شده، می فرماید سلمان علم اول و آخر را می داند و به همه چیز آگاهی دارد. این را کسی مانند امام علی (ع) می گوید. حتی منسوب است به اینکه اولین ترجمه سوره حمد به زبان فارسی را سلمان فارسی انجام داده است. در برابر ماجرای سقیفه هم عبارت معروف «کردید و نکردید» که اشاره به توطئه های سقیفه است را به زبان فارسی آن زمان بر زبان می آورد.

سنگ بنای شیعه در ایران

نکته پنجم و مهم از ویژگی های سلمان فارسی این است که رابطه وی با اهل بیت (ع) و امام علی سرآغاز رابطه عمیقی می شود که بعدها به رابطه ایران و ائمه و ایران و تشیع منجر می شود. رابطه عمیقی که بین سلمان فارسی با پیامبر و امام علی و

خاندان عصمت و طهارت شکل می گیرد، مسیری را می سازد که نهایتاً ایرانی ها تحت تأثیر ائمه قرار می گیرند و امامان هم می بینند شاگردان و مریدانی بهتر از ایرانیان پیدا نمی کنند. این خیلی نکته مهمی است که ما بدانیم سلمان فارسی پایه گذار و سنگ اول بنایی است که تشیع ایرانی را شکل می دهد و اگر این تشیع الان اینقدر ایرانیزه شده و اینقدر ایران با تشیع عجین شده، به واسطه آن سنگ اولی است که خوب چیده شده است؛ آن سنگ اول هم سلمان فارسی است.

سلمان از اهل بیت من است

نکته ششم تأثیری است که سلمان به عنوان یک شخصیت تأثیرگذار بر محیط پیرامونی می گذارد. آن هم به واسطه صبر و آرامشی است که به واسطه سال ها سیر و سلوک به دست آورده است. او طی سال ها عمری که دارد و مسیری حرکتی که طی کرده است، جزء صحابی کبار پیامبر (ص) به شمار می رود. وقتی رسول اکرم (ص) عبارت «سلمان منا اهل البیت» را بیان می کنند، می توان این گونه تعبیر کرد که جایگاهی مانند جایگاه اهل بیت و خانواده خودشان برایش قائل هستند. بنابراین سلمان فارسی که از هفت خوان سیر و سلوک عبور کرده، وقتی به مدینه و خدمت نبی مکرم اسلام (ص) می رسد، چنان آرامش، طمأنینه، مناعت طبع و بزرگی دارد که حضورش در مدینه خیلی تأثیرگذار می شود. چنانچه در اولین مواجهه ها در جنگ احزاب، پیشنهاد خندق را می دهد و اسلام با ایده او از مهلکه خندق و جنگ احزاب نجات پیدا می کند. لذا سلمان از معدود شخصیت هایی است که در تاریخ تأثیر عمیقی بر محیط پیرامونی خودش می گذارد.

سلمان فارسی بزرگ اما مهجورمانده

نکته هفتم و نکته پایانی من هم این است که با وجود همه نکاتی که مطرح کردم، متأسفانه سلمان فارسی جزء شخصیت های مهجور است و آنچنان که باید و شاید ما ایرانی ها به او نپرداخته ایم و توجه نکرده ایم. حتی در جامعه اسلامی هم آن طور که باید او را مورد توجه قرار نداده اند. برخی از کوه نظری ها، قضاوت ها و نکات یک سو به محکمه رفتن باعث شده بعضی ها نگاهی منفی به این شخصیت بزرگ پیدا کنند. از سویی برخی از غیرایرانی ها هم با نگاه نژادپرستانه به او می نگرند و از هر دو طرف مورد مظلومیت قرار گرفته است. باید درباره ایشان کارهای مختلفی انجام شود. کتاب های مختلف و رمان های گوناگون نوشته شود. خوشبختانه آقای میرباقری هم دارند سربال سلمان فارسی را می سازند تا این کار سرانجام به سر منزل مقصود برسد و مردم با سلمان فارسی این شخصیت مهم ایرانی جهان اسلام بیشتر آشنا شوند.